

504

Absolutely Essential Words

۵۰۴ واژه کاملاً ضروری

Sixth Edition

Murray Bromberg
Professor, touro college
Julius Liebb

BARRON'S

مترجم: مهندس سهیل زرکندی

سرشناسه	زرکندی، سهیل، ۱۳۵۸
عنوان و نام پدیدآورنده	Zarkandi, Soheil \
مشخصات نشر	504 Absolutely Essential Words
مشخصات ظاهری	: چاپکسر: نوین پویا، ۱۳۸۷ = ۲۰۰۸ م.
شابک	: ۳۲۰ ص: مصور.
وضعیت فهرست نویسی	: 978-600-5499-00-1
یادداشت	: فیفا
عنوان بد فارسی	: انگلیسی - فارسی.
رده‌بندی کنگره	: ۵۰۴ واژه کاملاً ضروری.
رده‌بندی دیویی	: PE۱۴۴۹/ب۴۲۲۴ ۱۳۸۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۲۸/۱
	: ۱۶۷۳۳۱۴

ناشر: انتشارات نوین پویا

نام کتاب: ۵۰۴ واژه کاملاً ضروری (جیبی)

مترجم: مهندس سهیل زرکندی

تیراژ: ۱۰۰۰

صفحه آرا: لیلا زرکندی

نوبت چاپ: اول - بهار ۹۲

قیمت همراه با CD: ۱۰۰۰۰ تومان

مراکز پخش:

تهران، انتشارات نوین پویا تلفن: ۰۹۱۲۳۸۰۱۳۱۸ - ۶۶۹۵۱۲۴۱

تهران: کلبه زبان، ۶۶۴۹۳۳۵۸ - ۶۹۶۱۵۳۵

تنکابن - زبانسرای پویا - ۴۲۲۱۲۳۱ - ۴۲۳۶۵۱۱ - ۰۱۹۲

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۹۹-۰۰-۱

ISBN: 978-600-5499-00-1

Contents

Lessons 1 -6.....	5
Word Review #1.....	35
Lessons 7-12.....	38
Word Review #2.....	68
Lessons 13-18.....	71
Word Review #3.....	103
Lessons 19-24.....	106
Word Review #4.....	137
Lessons 25-30.....	140
Word Review #5.....	172
Lessons 31 -36.....	175
Word Review #6.....	209
Lessons 37-42.....	212
Word Review #7.....	245
Bonus Lesson-125 More Difficult (But Essential)	
Words.....	248
Panorama of Words.....	307
Bonus review.....	367
Answers	371
Index	373

راهنمای تلفظ

تلفظ ارائه شده برای ۵۰۴ واژه مندرج در این کتاب، تلفظی است که توسط گویندگان تحصیل کرده در مکالمات غیر رسمی مورد استفاده قرار می گیرد. در زیر فهرستی از علائم اوایی بکار رفته در کتاب حاضر موجود می باشد. صدای مربوط به هر یک از علائم به آسانی توسط واژه کلیدی متناظر قابل درک می باشد.

æ	back	ɔ:	horn	f	fall	s	sit
eɪ	hay	ʊ	look	g	get	t	tin
a:	car	u:	too	h	hotel	v	voice
eə	care	ɔɪ	toy	dʒ	joy	w	win
ð	then	ʌ	up	k	kill	tʃ	church
i:	easy	u:	toot	l	let	hw	white
ɜ:	bird	j	you	m	man	ʒ	leisure
ɪ	it	aʊ	out	n	not	j	yes
aɪ	kite	b	bed	p	put	z	zebra
eʊ	home	d	done	r	rose	ŋ	drink
ɒ	got	ʃ	she	ʊə	pure	θ	thin

صدای واکه ای بدون استرس به صورت زیر نشان داده میشود

complete برای ɒ در مثال

focus برای ʊ در مثال

around برای a در مثال

glitter برای e در مثال

sanity برای i در مثال

مقدمه مترجم

در جهان امروز برقراری ارتباط بدون داشتن آگاهی کافی از زبان انگلیسی غیر ممکن بنظر می‌رسد. از این رو یادگیری هر چه بیشتر و بهتر این زبان در انجام این امر کمک شایانی خواهد بود. کتاب حاضر نسخه جیبی کتاب ۵۰۴ واژه کاملاً ضروری ترجمه همین نویسنده است. واژگان جدید و مثال‌های نمونه عیناً مشابه کتاب پیشین است.

در این کتاب کلمات بصورتی زیبا و دسته‌بندی شده درون کادرها چیده شده‌اند تا خواننده محترم در هنگام مطالعه دچار سردرگمی نشود. فونتیک ارائه شده بر اساس فونتیک IPA است که یکی از زیباترین و آسان‌ترین فونتیک‌هاست. برای کلماتی که دارای بیش از یک دسته معنی هستند، موضوع مربوط به هر معنی درون دو پرانتز مربعی بصورت [] ارائه شده است. هفت بخش مرور واژگان نیز گنجانده شده است که هر بخش شامل تمارینی می‌باشد که میزان توانایی شما را در تسلط بر واژگان جدید مورد سنجش قرار می‌دهد.

واژگانی که همراه با علامت (*) هستند در درسهای قبلی آموخته شده‌اند. تکرار واژگانی که بتازگی یاد گرفته شده‌اند، روش شناخته شده‌ای برای تسلط بر آنها است.

سیدی همراه کتاب شامل تلفظ همه واژگان جدید بصورت گویا است که تمامی این تلفظ‌ها برگرفته از لوح فشرده دیکشنری‌های معتبر است.

در پایان از زحمات خواهر عزیزم خانم لیلا زرکندی به جهت تایپ و صفحه‌آرایی این کتاب، آقای دکتر هوشنگ نحوی ریاست محترم موسسه آموزش عالی آیندگان و همچنین آقای اصغر عسگرزاده به جهت کمک‌های ارزنده‌شان در چاپ این کتاب تشکر و قدردانی می‌کنم.

امیدوارم حاصل این تلاش مورد قبول همه دانش‌آموزان، دانشجویان، دبیران و استادان عزیز و بزرگوار قرار گیرد.

سهیل زرکندی

بهار ۱۳۹۲

Lesson 1

Words To Learn This Week

کلماتی که باید این هفته یاد بگیریم

abandon

tact

hardship

unaccustomed

keen

oath

gallant

bachelor

jealous

vacant

data

qualify

1. abandon [ə'bændən] desert; leave without planning to come back; quit

ترک کردن، رها کردن؛ واگذار کردن، [فکر، نقشه و ... کنار گذاشتن

a. When Roy **abandoned** his family, the police went looking for him.

هنگامیکه "ری" خانواده اش را ترک کرد، پلیس به جستجوی او پرداخت.

b. The soldier could not **abandon** his friends who were hurt in battle.

آن سرباز نتوانست دوستانش را که در جنگ زخمی شده بودند، رها کند.

c. Because Rose was poor, she had to **abandon** her idea of going to college.

از آنجا که "رز" فقیر بود، مجبور شد ایده اش را برای رفتن به کالج کنار بگذارد.

2. keen [ki:n] sharp; eager; intense; sensitive

[لبه، نوک] تیز، برنده، [علاقه، میل و ...] شدید، زیاد، [شخص] باهوش

a. The butcher's **keen** knife cut through the meat.

چاقوی تیز قصاب گوشت را برید.

b. My dog has a **keen** sense of smell.

سگ من حس بویایی قوی ای دارد.

c. Bill's **keen** mind pleased all his teachers.

ذهن قوی "بیل" تمام معلمانش را خوشنود کرد.

3. jealous ['dzeləs] afraid that the one you love might prefer someone else; wanting what someone else has

حسود، غیرتی، [نگاه و ...] حسادت آمیز

a. A detective was hired by the **jealous** widow to find the boyfriend who had abandoned* her.

کارآگاهی توسط بیوه حسود برای پیدا کردن معشوقه ای که او را ترک کرده بود، استخدام شد.

b. Although my neighbor just bought a new car, I am not **jealous** of him.

اگرچه همسایه ام اخیراً اتومبیل تازه ای خرید، اما من به او حسادت نمی‌کنم.

c. Being **jealous**, Mona would not let her boyfriend dance with any of the cheerleaders.

"مونا" از روی حسادت، به دوست پسرش اجازه رقص با هیچیک از تشویق کنندگان را نداد.

4. **tact** [tækt] ability to say the right thing

نزاکت، کاردانی، درایت، خوش‌زبانی

a. My aunt never hurts any one's feelings because she always uses **tact**.

عمه من هرگز احساسات کسی را خدشه دار نمی‌کند چون خیلی با تدبیر و ملاحظه کار است.

b. By the use of **tact**, Janet was able to calm her jealous* husband.

"ژانet" با استفاده از خوش‌زبانی، توانست همسر غیرتی خود را آرام کند.

c. Your friends will admire you if you use **tact** and thoughtfulness.

اگر از خوش‌زبانی و تدبیر استفاده کنید، دوستانتان شما را تحسین خواهند نمود.

5. **oath** [əʊθ; pl. əʊðz] a promise that something is true; a curse

سوگند، قسم، فحش، ناسزا

a. The President will take the **oath** of office tomorrow.

رئیس جمهور فردا سوگند ریاست جمهوری خواهد خورد.

b. In court, the witness took an **oath** that he would tell the whole truth.

شاهد در دادگاه سوگند یاد کرد که تمام حقایق را بگوید.